



بسم الله الرحمن الرحيم

✓ مقدمه:

توضیحی در خصوص گام دوم انقلاب و ضرورتی که رهبری معظم انقلاب در این خصوص دیده اند. معمولاً انقلابها بعد از زمان کوتاهی از آرمانهای خود فاصله گرفته و اصول و مبانی خود را به فراموشی می سپارند. این مسئله یکی از دغدغه های اصلی انقلابیون بوده و لذا حضرت امام دربیاری از بیانات خودشان تاکید بسیار داشتند که حفظ انقلاب از خود آن مهمتر است.

انقلاب اسلامی ایران به لطف وجود رهبری الهی، و با وجود همه فراز و نشیب هایش تا این زمان بر حفظ اصول و آرمانهای خود پای فشرده و مستقیم به جلو رفته است. بعد از طی چهل سال رهبری معظم انقلاب اسلامی، با دید عمیق و نشیت گرفته از الهامات الهی نسبت به آینده، مسیر حرکت آینده انقلاب را مشخص فرمودند و در واقع نگاه ایشان به چهل سال آینده است و مسیری که باید رفت تا انقلاب همچنان در مسیر اهداف متعالی خودش مستحکم باقی بماند.

در بیانیه گام دوم: برای حرکت در آینده بر موضوعات مهمی نظیر، علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزّت ملی، روابط خارجی و مرز بندی با دشمن و نیز سبک زندگی اشاره شده است.



معظم له در فراز پایانی بیانیه به مسئله سبک زندگی اشاره فرمودند ولی بیان ابعاد مختلف آنرا به فرصتی مناسب و اگذار نمودند که خود دلیل است بر اهمیت مسئله سبک زندگی و اینکه در سطح یک بیانیه نمی توان ابعاد مختلف آنرا تبیین کرد و این مسئله نیازمند به مباحث مبسوط و کلان.

تعريف سبک زندگی:

✓ سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و سلیقه‌های است که اغلب میان یک جمع ظهور می‌کند و شماری از افراد را صاحب نوعی سبک زندگی مشترک می‌سازد و به آنها هویتی خاص و ویژه می‌بخشد.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان سبک زندگی را به دو قسم تقسیم کرد:

✓ **سبک زندگی توحیدی**: که در آن دستورات الهی در صدر است و سیاست، فرهنگ و اقتصاد از این مفاهیم تأثیر می‌پذیرد.

✓ **سبک زندگی غیرتوحیدی**: که در آن تعالیم مکاتب مادی در صدر است و مفاهیم مصرف گرایی، لذت گرایی و عرفی بودن دین حاکم است. نمونه بارز چنین سبک زندگی را می‌توان در سبک زندگی غربی مشاهده کرد.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی مهر ماه سال ۹۱ برای جوانان، طی بیانات مبسوطی:
سبک زندگی غربی را تجسم انسان مداری یا اومانیسم مطرح فرمودند:

این کلمات رهبر معظم انقلاب در خصوص سبک زندگی غربی، ریشه یابی شکل گیری این تفکر را لازم و ضروری می‌کند.

توضیحاتی در مورد دوره‌های شک گرایی در غرب:

تقسیم تاریخ فلسفه غرب به دوران باستان، قرون وسطی، جدید و معاصر:



مواجهه غرب در تمام این دورانها با شک گرایی: سه دوره عمدۀ شک گرایی: ۲۷۰۰ سال قبل با نماد شک گرایی مطلق گرگیاس:

هیچ چیزی وجود ندارد --- اگر هم چیزی وجود داشته باشد، قابل شناخت نیست --- و اگر هم قابل شناخت باشد قابل انتقال به غیر نیست.

۲۲۰۰ سال قبل که سocrates و افلاطون و ارسطو به مقابله پرداختند.

حدود ۵۰۰ سال قبل به این طرف که دکارت به مقابله با این شک گرایی پرداخت. او تلاش کرد تا مبانی معرفتی را همانند قوانین ریاضی قرار دهد که به اعتقاد وی دارای وضوح و تمایز هستند. بر این اساس او دوازده مرحله شک را مطرح کرد. ولی در هیچ موردی پاسخی قانع کننده ای نیافت برای یازده مرحله از شک هایش به دست نیاورد. ولی در مرحله دوازدهم گفت در هر چه شک کنم در شک خودم که و اینکه در این عالم شکی وجود دارد که شک ندارم. پس وقتی شکی وجود دارد شک کنند ای هم هست. و بر این اساس نهایت چیزی را که اثبات کرد خودش بود.

عاجز بودن از اثبات جهان خارج، حقیقت نفس و خدای خالق جهان از جمله مواردی بود که او قادر به اثبات آنها نشد.

نفس حقیقت انکار شده:

بعد از دکارت بود که در غرب جایی برای نفس به عنوان حقیقتی که در خارج موجود است، مکلف است، بعد از مرگ نیز خواهد بود و نسبت به اعمالش مواخذ بوده و ثواب و عقاب داده می شود، تبدیل به اندیشه و ذهن شد. نفس تبدیل به ذهن شد، وجود انسان به یک اندیشه تقلیل یافت.

سر آغاز مدرنیسم یا عصر جدید بر اساس «انسان مداری» شکل گرفت. با عدم اثبات خداوند به عنوان خالق هستی، در غرب خدا کنار گذاشته شد و انسان جای خدا را گرفت.

مسيحيت با تمام قدرتش نتوانست به مقابله با اين جريان فكري قيام کند، فلاسفه اي همچون هگل دين الهي مسيحيت و حتى خود عيسى مسيح را با تفاسيری مادي انگارانه تبيين و به خورد



شکل گیری مکاتب مادی همچون سوسياليسیم، کمونیسم، تجربه گرایی یا آمپریسیسم، و حتی مسیحیت پروتستان و بسیاری دیگر از مکاتب در غرب نیز بر همین مبنای وجود پیدا کردند.

در این طرف دنیا ملاصدرا و مسئله اصالت وجود.

تا اینجا به این مسئله رسیدیم که ناتوانی غربیها در مسائل معرفتی و شناختی باعث سوق داده شدن آنها به مادی گرایی و انسان مداری گردید.

هایدگر فیلسوف آلمانی در نامه‌ای که برای فیلسوف ژاپنی می‌نویسد او را بر حذر می‌دارد از اینکه تفکر تکنیکی غرب (تعبیر خود اوست) در ژاپن نفوذ پیدا کند.

رهبر مفطم انقلاب تأکید می‌کند که فرهنگ غربی، ذهن‌ها و فکرها را «مادی» می‌کند و هدف زندگی را به کسب «پول» و «ثروت» فرومی‌کاهد و «آرمان‌های معنوی» و «تعالی روحی» را کنار می‌زند، «گناه» را عادی‌سازی می‌کند، موجب فروپاشی «خانواده» می‌شود، و از این‌رو، باطن فرهنگ غربی عبارت است از «سبک زندگی مادی و گناه‌آلود». به این ترتیب، «ترویج فرهنگ غلط و منحط غربی»، یک مسئله اجتماعی مهم است که باید مورد توجه قرار گیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای؛ در دیدار جوانان؛ ۲۳ مهر ۱۳۹۱).

این کلمات نشان دهنده شناخت عمیق معظم له در فرهنگ غرب است که تصمیم دارد خودش را به تمامی فرهنگهای دیگر تحمیل کند.

جامعه ما تحت تاثیر فرهنگ وارداتی غربی همانند غرب دچار چالش‌های بسیاری شده است، که همگی متأثر از رسوخ فرهنگ غربی و در یک کلام رسوخ سبک زندگی غربی در جامعی ما می‌باشد.

مقام معظم رهبری با طرح سوالاتی ما را وادار به تفکر در مسائل اجتماعی می‌کند که قبل از جامعه ما به شکل فعلی وجود نداشته اند و قطعاً متأثر از سبک زندگی مادی غرب هستند. سوالاتی از قبیل اینکه:



۱. چرا برخی از بخش های کشورمان طلاق زیاد است؟
۲. چرا در برخی از بخش های کشورمان روی آوردن جوان ها به مواد مخدر زیاد است؟
۳. چرا صله رحم در بین ما ضعیف است؟
۴. آپارتمان نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آن ها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت کنیم؟
۵. الگوی تفریح سالم چیست؟
۶. طراحی لباسمان چطور؟
۷. مساله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چطور؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟
۸. چرا پشت سر یکدیگر حرف می‌زنیم؟
۹. حقوق افراد را چقدر رعایت می‌کنیم؟
۱۰. چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف گرایی افتخار است؟ مصرف گرایی یعنی این که ما هرچه گیر می‌آوریم، صرف اموری کنیم که جز ضروریات زندگی ما نیست.
۱۱. چه کنیم که حق همسر و حق فرزندانمان رعایت شود؟
۱۲. چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آن چنان که در غرب رایج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟
۱۳. چه کنیم که زن در جامعه ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی اش محفوظ بماند، هم بتواند وظایف اجتماعیش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا یکی را انتخاب کند؟ این ها جز مسائل اساسی ماست.
۱۴. حد زاد و ولد در جامعه ما چیست؟
۱۵. چرا در بعضی از شهر های بزرگ، خانه های مجردی و جود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه ما نفوذ کرده است؟
۱۶. تجمل گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدر ش بد است؟ چقدر ش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟

با جواب به این پرسشها و یافتن راه حلهایی برای مشکلات ایجاد شده در جامعه می‌توان امیدوار بود که در آینده بتوانیم سبک زندگی اسلامی و توحیدی را در جامعه خودمان شکل بدهیم زیرا



که دفع شر اولی از جلب منفعت است:

اول‌ای جان، دفعِ شرِ موش کن

وانگهان در جمعِ گندم، جوش کن

(مشنوی معنوی؛ دفتر اول؛ بیت‌های ۳۷۷-۳۸۰)

این‌ها یک فهرستی از آن چیزهایی است که متن یک جامعه و سبک زندگی آن را تشکیل می‌دهد. قضاوتش درباره‌ی یک جامعه، مبنی بر اینهاست.

نمی‌شود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، قضاوتش و تحسین کرد در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردمش را فرا گرفته.

ما در این مباحثه به آسیب شناسی فرهنگ غرب پرداختیم تا با شناخت و آگاهی دادن در این جهت جلوی ضرر را بگیریم.

آنچه از دوستان و فرهیختگان در حوزه‌های علمیه خواهان انتظار می‌رود، اینست که با تحقیق و پژوهش عمیق خود در حوزه سبک زندگی علاوه بر تحقیق در خصوص آسیب شناسی فرهنگ خودی که سوالات فوق الذکر کلید واژه‌هایی در این خصوص می‌توانند باشند، در خصوص تبیین سبک زندگی ایرانی – اسلامی که مورد تاکید مقام معظم رهبری است، نیز به تحقیق و پژوهش پرداخته و نظرات محققانه خودشان را در این خصوص ارائه فرمایند. از تصدیع اوقات شریف تان عذر خواهی می‌کنم.

والحمد لله رب العالمين

والسلام عليكم و رحمه الله و بركاته

